

انقلاب اسلامی روحیه «ما می‌توانیم» را در مقابل روحیه وابستگی زنده کرد... امروز عوامل دشمن در حال بازتولید روحیه وابستگی هستند. (۹۵/۷/۲۸)
*** روز ارتش جمهوری اسلامی ایران گرمی باد ***

▼ حرف روز

آرای معنادار

مردم ترکیه با مشارکت ۷۶ درصدی و ۵۵ میلیون نفر رأی‌دهنده واجد شرایط یکی از پرمشارکت‌ترین انتخابات در ترکیه را رقم زدند و در همه‌پرسی تغییر قانون اساسی نظر خود را درباره افزایش اختیارات رئیس‌جمهور و تغییر نظام سیاسی این کشور از پارلمانی به ریاستی اعلام کردند. بر اساس نتایج قطعی اعلام شده، جبهه موافقان تغییر قانون اساسی با کسب بیش از ۵۱/۴ درصد آرا موفق شدند در این همه‌پرسی به پیروزی برسند. در ضمن ۴۸/۶ درصد شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی نیز با دادن رأی «نه» به تغییرات قانون اساسی، مخالفت خود را با آن به نمایش گذاشتند که بر اساس تقسیمات کشوری ۳۲ استان به تغییرات «نه» گفته‌اند و ۴۹ استان واقع در آناتولی مرکزی که حامی اردوغان و حزب حاکم ترکیه بوده‌اند، رأی مثبت داده‌اند. درباره این همه‌پرسی می‌توان به چند نکته تحلیلی اشاره کرد: ۱- در این همه‌پرسی فاصله موافقان و مخالفان تنها ۱/۳ میلیون رأی است که به نظر می‌رسد مجموع فاصله کم آرا بین موافقان و مخالفان تغییر قانون اساسی نشان‌دهنده حساسیت و اهمیت موضوع و رقابت نزدیک دو بلوک موافق و مخالف تغییر قانون اساسی یا به عبارت دیگر موافقان و مخالفان حزب حاکم عدالت و توسعه و رجب‌طیب اردوغان رئیس‌جمهور است. فاصله کم بین بلوک موافقان و مخالفان سبب شده است دو حزب اپوزیسیون جمهوریخواه خلق و دموکراتیک خلق‌ها خواستار بازشماری آرای ۶۰ درصد صندوق‌های رأی شوند. ۲- نکته مهم دیگر آرای معنادار شهرهای بزرگ علیه تغییر قانون اساسی است. در شهرهای استانبول و آنکارا حدود ۵۱/۵ درصد از شهروندان مخالف تغییر قانون اساسی هستند و در شهر ازمیر، مخالفان قانون اساسی حدود ۶۹ درصد رأی کسب کردند. در برخی شهرها و استان‌های کردنشین نیز آرای قاطع مخالفان تغییر قانون اساسی معنادار بوده است. برای نمونه در دیاربکر که بزرگ‌ترین شهر و استان کردنشین ترکیه است، مخالفان تغییر قانون اساسی توانستند نزدیک به ۶۸ درصد آرا را از آن خود کنند. در برخی دیگر از شهرهای بزرگ ترکیه، از جمله آنتالیا و آدانا نیز مخالفان قانون اساسی پیشتاز شدند. ۳- با توجه به فاصله کم آرای موافقان و مخالفان به نظر می‌رسد برای انجام اصلاحاتی بنیادین در حد وسیع در قانون اساسی کشور به نصاب بالاتری نیاز است که موافقان نتوانسته‌اند کسب کنند.

▼ گزارش روز

فرا تر از اقتصاد

عادت کرده‌ایم به خبر تعطیلی کارخانه‌ها؛ از همین روست که وقتی رئیس اتحادیه فروشندگان دوچرخه و موتورسیکلت می‌گوید شرکت آساک، تنها کارخانه تولیدکننده دوچرخه ایرانی در کشور با بیش از ۳۵ سال قدمت به دلیل واردات بیش از دو میلیون دستگاه دوچرخه (در حالی که کمتر از یک میلیون و ۵۰۰ هزار دستگاه در کشور مورد نیاز است) تعطیل شده است، واکنش چندانی در رسانه‌ها دیده نمی‌شود. همان‌گونه که اخبار ضد و نقیض درباره تعطیلی شرکت تولیدی داروگر با ۹۰ سال سابقه که یکی از معتبرترین و قدیمی‌ترین نشان‌های ایرانی بود، بسیار زود به فراموشی سپرده شد و آخر به شکل دقیق سرنوشت صدها کارگر این کارخانه که به مرخصی اجباری رفتند مشخص نشد. همان‌گونه که سرنوشت شرکت معتبر ارج، کارخانه قدیمی و با سابقه آزمایش، بیش از ۱۷ کارخانه کاشی و سرامیک، کارخانه روغن قو، کارخانه قند ورامین و ده کارخانه و کارگاه کوچک و بزرگی که حتی اسم آنها را هم نشنیده‌ایم و هیچ رسانه‌ای به سراغ صاحبان آنها نرفته است، تعطیل شده‌اند و کارگران و کارمندان که به طور مستقیم و غیر مستقیم در کنار چرخیدن چرخ این کارخانه‌ها در حال فعالیت بودند، به جمعیت بیکاران کشور اضافه شدند تا با عدد بزرگ و نگران‌کننده‌ای از بیکاران روبه‌رو باشیم؛ عدد چند رقمی که تنها یک آمار نیست؛ بلکه به معنای بیکاری خیل عظیمی از هموطنان مان، به معنای قطع شدن درآمد تعداد زیادی از خانواده‌های ایرانی و در پی آن گسترش فقر در جامعه است؛ موضوعی که امتداد و گسترش آن دیگر تنها در حوزه اقتصادی محدود نخواهد ماند و تأثیرات عمیقی را در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و... خواهد گذاشت؛ تبعاتی که اکنون می‌توان با خرید کالای ایرانی و کمک به ادامه فعالیت کارخانه ایرانی از آنها جلوگیری کرد؛ اما شاید در آینده چاره‌جویی برای آنها با از دست دادن سرمایه‌های مادی و معنوی فراوانی نیز ممکن نباشد.

▼ خبر ویژه

دود قانون‌گریزی دولت در چشم محرومان

در حالی دولت برخلاف تأکید قانون، اضافه مستمری را به حساب یارانه سرپرستان مددجویان واریز کرد که بخش قابل توجهی از این افراد نتوانستند از این حق‌شان بهره‌مند شوند و از دریافت اضافه مستمری محروم ماندند؛ چرا که بر اساس ماده ۷۹ قانون برنامه ششم توسعه، این مستمری باید از طریق کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی پرداخت شود نه دولت، بنابراین این قانون‌شکنی و واریز انتخاباتی دولت سبب شد تا بسیاری از مددجویان کمیته امداد و بهزیستی نتوانند این اضافه مستمری را که حق قانونی‌شان بود، دریافت کنند و در مقابل این اضافه مستمری با این اقدام دولت در اختیار سرپرستانی قرار گرفت که به هر نحوی صلاحیت اخذ این مستمری را نداشتند. به این ترتیب واریز نشدن اضافه مستمری برای تعدادی از مددجویان این دو نهاد، گلایه‌های بسیاری را به وجود آورده است و این دو نهاد حمایتی درگیر حاشیه‌های این حاتم‌بخشی انتخاباتی دولت شده‌اند. جالب اینجاست که پیشنهاد افزایش مستمری مددجویان کمیته امداد و بهزیستی، در حالی از سوی مجلس و این دو نهاد مطرح و در نهایت از سوی نمایندگان مردم تصویب شد که قانونگذار با علم به این مشکلات و موانع، دولت را مکلف کرده بود تا مبلغ افزایش مستمری مددجویان را از طریق این دو دستگاه در اختیار مددجویان قرار دهد.